

# تحقیقی در ظهور عرفان شیعی در احوال و آثار بوعلی سینا باتاکید بر مضامین نمط العارفین

فرشته ندری ایبانه\*

## چکیده

روش عارف در کشف، تصفیه روح و تهذیب و رعایت آداب و سنن الهی است. عرفان اسلامی در دو شاخه عرفان نظری و عملی تحقق مییابد. از نظر ابن سینا، مخالفت با عرفان و عرفا بجهت نشناختن مقامات عارفین است و موافقت و تعظیم و بزرگداشت آن، نتیجه شناخت است. زیرا مردم نسبت به آنچه نمی‌شناسند مخالفت و دشمنی می‌ورزند. شیخ پس از اثبات لزوم زهد و عبادت بعنوان شرط لازم برای رسیدن به سعادت، آنها را کافی ندانسته و عرفان را مافوقشان میداند، اما تأکید دارد عارف کسی است که حتی به رسیدن به مقام عرفان هم بسنده نکرده و حق را بر عرفان ترجیح می‌دهد.

عرفان شیعی علاوه بر تکیه بر آیات، از گنجینه روایات و ادعیه نیز برخوردار است. در تاریخ علم عرفان، ابن عربی و سیدحیدر آملی پدر عرفان اسلامی و شیعی خوانده شده‌اند. ابن سینا هر چند در فلسفه مشاء و طبابت شهرتی عام یافته و وی را ارسطوی جدید نامیده‌اند، اما در حوزه عرفان نامور و از حق تقدم برخوردار نشده است، در حالی که بررسی آثار و احوال ایشان نمایانگر احراز این حق است. در

۴۹

\* استادیار دانشگاه بوعلی سینا؛ fnadry@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۲۰ تاریخ تأیید: ۹۵/۷/۲۷



شیعه بودن ابن سینا تردیدی نیست اما بیان و اثبات این مطلب که پایه‌ها و مدارج عرفان مطرح شده در آثار وی متأثر از عرفان شیعی است (هر چند بر منابع آن در آثار ابن سینا تصریح نشده است)، موضوع نوشتار حاضر می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** پدر عرفان، عرفان نظری، عرفان عملی، عرفان شیعی، ابن سینا، *نمط العارفین*

\* \* \*

### مقدمه

توحید عرفانی در معنابخشی به زندگی نقشی اساسی دارد. این نگرش موجب زدودن آلودگیهای شرک و نفاق از درون انسان شده و منش زندگی را دگرگون میکند. معنای زندگی در درک رابطه میان دنیا و آخرت، رب و عبد و حقیقت زندگی نهفته است، آنچنانکه اهلش دریافته و در آن وادی قدم نهاده‌اند. حکیمان و عارفان و واصلان به حق بتبعیت از آموزه‌های وحیانی درصدد تبیین این مسئله تلاش نموده تا مردم را در رسیدن به سعادت یاری رسانند.

نگاهی گذرا به زمانه حضور تاریخ‌سازان علم و تمدن، در تبیین آثار و افکار ایشان امری لازم است. زیرا تأثیر مقتضیات زمان و مکان در تکوین آراء و اندیشه‌ها، امری مسلم است. توجه به این امر بخصوص در شاخه علوم انسانی و اجتماعی حائز اهمیت می‌باشد.

ابن عربی<sup>(۱)</sup> (ف. ۶۳۸ ه. ق.) پدر عرفان اسلامی و پایه‌گذار عرفان نظری است و عرفان را با زبان فلسفی بیان کرده است و سیدحیدر آملی<sup>(۲)</sup> (ف. ۷۸۷ یا ۷۹۴ ه. ق.)

را بدان جهت پدر عرفان شیعی خوانده‌اند که توانسته تعالیم عرفانی را بر پایه آموزه‌های شیعی استوار گرداند و ایشان را نماینده برجسته عرفان شیعه و تعیین‌کننده خط سیر آن می‌شناسند.<sup>(۳)</sup> اما درباره جایگاه عرفان شیعی نزد بوعلی سینا

۵۰ کمتر سخن گفته شده است. پژوهشگران برجسته معاصر در عرفان و فلسفه اسلامی، درباره بینش و گرایش عرفانی ابن سینا دو برداشت کاملاً مختلف و متضاد دارند: برخی منکر هرگونه تفسیر عرفانی، باطنی و غنوصی (گنوستیک) از این اثر هستند و برخی دیگر به نتایجی کاملاً متضاد رسیده‌اند و عرفان بوعلی را در بخش عرفان عملی ممتاز شمرده‌اند. نوشتار حاضر، برداشت دوم را تأیید کرده و درصدد

